

بررسی عدالت آموزشی زنان در قوانین جمهوری اسلامی ایران

شاپور جهانجونیان*

سید علی پور منوچهری**

چکیده

در قانون اساسی کشورمان در اصول ۲، ۳، ۱۹، ۲۰ و ۳۰ و همچنین در سند چشم انداز ۱۴۰۴ و همچنین در برنامه های پنج ساله چهارم، پنجم و ششم توسعه ابلاغی مقام معظم رهبری و نیز در منشور حقوق دفاع از حق آموزشی زنان مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی و البته در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز به استیفای حق آموزشی زنان و دستیابی زنان کشورمان به فرصت های برابر آموزشی با رعایت شرایط و اصول حاکم در دین اسلام، تأکید شده است ولی با این وجود، باز شاهد بی عدالتی های متعدد در این زمینه هستیم و به نظر علت آن این است که برای اجرای دستورات دینی و قوانین حقوقی مرتبط، نظارت و ضمانت اجرایی و نیز پویایی و به روز رسانی مستمر و پیوسته قوانین و ضوابط حاکم بر عدالت آموزشی زنان، ضعیف می باشد و پیشنهاد کاربردی مستخرج این مقاله این است که علاوه بر پویایی و به روز رسانی قوانین و مقررات، می بایست بخش نظارتی و ضمانت اجرایی قوانین مرتبط با رعایت و تحقق عدالت آموزشی زنان فعال باشد.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی،

shapoorjahanjooonia@gmail.com

** استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی،

Ali_poormanuchehehi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

کلیدواژه‌ها: عدالت، عدالت آموزشی، قانون اساسی، نظام حقوقی، منشور حقوق زنان، برابری آموزشی

۱. مقدمه

همواره یکی از دغدغه‌ها و موضوعات بسیار مهم محققان، نویسندگان، روشنفکران و هرفرد مسلمان و آزاده‌ای، کمک به برقراری عدالت و تلاش در جهت توسعه و تحقق آن بوده است. حتی در جوامع غیر اسلامی نیز رعایت و برقراری عدالت در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی به عنوان یک آرمان و شعار اساسی بوده است. یا این وجود باز به دلیل وجود اشتباهات ذهنی و تبعیت از امیال نفسانی و رغبت به موضوعاتی از قبیل نژادپرستی، جنسیت و غیره، شاهد برقراری عدالت همه جانبه و کامل نیستیم و چه بسا بسیار شاهد بی عدالتی در زمینه‌های مختلف در جوامع غیر دینی هستیم و البته متأسفانه حتی در جوامع دینی و اسلامی نیز به خاطر بعضی غفلت‌ها و عدم آگاهی دقیق از منویات و دستورات دین مبین اسلام و یا حتی بعضاً به دلیل برداشت‌ها و تفسیرهای تاریک و یا افراطی از دستورات دینی، شاهد اعمال سلیغه‌های شخصی و در نهایت عدم تفسیر روشن و کامل از دستورات دینی و قانونی و به تبع آن نظاره گر موانع مختلف و متعدد بر سر راه تحقق عدالت همه جانبه در جامعه و به ویژه نظام‌های آموزشی کشور هستیم.

بدیهی است یکی از موضوعات و مسایل مهم و اساسی مورد نیاز هر جامعه‌ای موضوع آموزش می‌باشد و برای توسعه پایدار و پیشرفت هر جامعه‌ای، آموزش حرف اول را می‌زند و دسترسی انسان به هر یافته علمی و دانش نوین و اطلاعات و آگاهی‌های مختلف عمومی و تخصصی، صرفاً از طریق آموزش موثر است. و با توجه به بررسی در مکاتب مختلف حقوقی در جهان و از جمله مکتب حقوقی اسلام، آموزش یک حق است که در میثاق بین‌المللی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، آموزش به عنوان یکی از حقوق بشر است و البته عقل و ندای درونی فطرت نیز موید این مطلب است که آموزش یک حق مسلم و ضروری است و در حقوق و قوانین حاکم بر کشورمان نیز آموزش یک حق برای یکایک مردم کشورمان به شمار می‌رود. و چون موضوع عدالت یکی از ارکان حق و پیوسته با حق است به گونه‌ای که به لحاظ ذهنی و انتزاعی و حتی عینی و ملموس، نمی‌شود برای موضوعی، حقی قایل شد که از عدالت به دور باشد و موضوع آموزش نیز از آن مستثنی نیست، لذا وقتی که آموزش به عنوان یک حق از نوع حقوق بشر محسوب می‌شود، لذا رویکرد عدالت محوری حق

آموزش ظهور و بروز پیدا می کند. و دقیقاً از همین جا بحث اصلی مقاله و اهمیت موضوع ضرورت و شیوه های پرداختن به آن و در نهایت نوع آوری و یافته نوین مقاله معنا پیدا می کند که همان موضوع عدالت آموزشی زنان در قوانین جمهوری اسلامی ایران است. در این مقاله سعی شده است ابتدا از منابع و مستندات معتبر و موثق به موضوعات و مفاهیمی از جمله عدالت، آموزش، حق آموزش و حقوق زنان در آموزش و نقش و اهمیت آموزش در ارتقای توانمندی زنان و استیفای حقوق فراموش شده زنان و نیز جایگاه و اهمیت مهم و کلیدی زنان در توسعه پایدار جامعه و نیز نقش آنان در تربیت فرزندان و استحکام خانواده پرداخته شود و سپس با تجزیه و تحلیل یافته های مستند، موضوع جایگاه و ارتباط و اهمیت و نقش پایدار و دائمی که بارعایت عدالت در حق آموزشی زنان نمایان می شود و در نهایت از طریق قوانین موجود حقوقی کشور گره ای از موانع بر سر راه آموزش زنان برداشته شود.

۲. عدالت

عدالت مفهومی اخلاقی است. انسان به دلیل وجود اختلافات اجتماعی، در خود به نوعی عدالت احساس نیاز می کند. این احساس عدالت نزد همه بیش و کم وجود دارد، ولی بیشتر احکام عرفی، ساده و ناقص است و همگان درباره مسایل حقوقی و اقتصادی، عدالت را تشخیص نمی دهند. همان گونه که در اخلاق باید، عرف پاکان و پرهیزکاران را مبنا قرار داد، مفهوم عدالت را نیز باید در نوشته های دانایان حقوق و اخلاق جستجو کرد. (سید قطب، ۱۳۴۶: ۵۱۵)

به طور خلاصه، انسان طالب اجرای عدالت است. سخت ترین دل ها نیز وانمود می کنند که چنین شوقی را در درون خود دارند. تاریخ زندگی بشر را تلاش در راه تمیز و اجرای عدالت تشکیل می دهد. با وجود این، در جستجوی این گم گشته، نزاع ها بر می خیزد و ستیزها رخ می دهد، چندان که گاه ستمگران و زورمندان، ظلم ها می کنند تا اثبات نمایند که روشی عادلانه دارند. عدالت پیوسته از این ابهام درونی رنج می برد و قربانی آزادی خود از تعلق ها می شود. پس، آخرین چاره این است که با اخلاق پیوند خورده، و همگان با آن تحول یابد.

بدین ترتیب، آرمان عدالت و مصداق های آن ثابت نیست و به جای عدالت معقول و جاودانه، باید از «عدالت زمانه» سخن گفت. دادرسان، هنرمندان تمیز اخلاق و عدالت و

تواناترین حامیان این ارزش‌ها هستند و پایبندی روانی آنان به رعایت حرمت قانون و آراء گذشته خود و همچنین سلسله مراتب قضایی که به وحدت رویه‌ها می‌انجامد، از مهم‌ترین عوامل ایجاد نظم در اجرای عدالت و جلوگیری از آشفتگی راه‌حل‌ها در این زمینه است. (قطب‌الدین رستگار، ۱۳۶۰: ۱۳۷-۱۶۰)

چنان‌که گفته شد، در نظر گروهی از نظریه‌پردازان، جوهر عدالت در دنیای کنونی «برابری» است. اجرای عادلانه قانون بدین معنی است که درباره غنی و فقیر و در هر موقعیتی، یکسان اجرا شود. ولی، باید پذیرفت که در این مفهوم صوری و خشک هیچ‌گونه کیفیتی راه ندارد و نقص در همین جا است. بی‌گمان، عدالت ایجاب نمی‌کند که درباره هر مجرمی، قطع نظر از ویژگی‌های فردی او، مجازاتی یکسان مقرر شود و کیفر، به اعمال تعلق گیرد نه به اشخاص. عدالت صوری و مجرد برای صورت بخشیدن به این مفهوم اخلاقی و اداره آن کافی نیست و حکم دل و شرایط، در آن نقش مؤثری دارد. به گفته مارسل بوزار «این عقل نیست که معیار اخلاقی را معین و تحمیل می‌کند، بلکه احساس ما است». و انگهی، انصاف نیز باید وسیله نرمش و انعطاف عدالت شود و از ناروایی در اجرا و اداره عدالت بکاهد و ارزش‌های متعارض را جمع کند. (بوازار، ۱۳۵۸: ۶۰-۴۴)

به بیان دیگر، گاه اجرای قانون و قواعد عادلانه و مجردی که اندیشیده ایم، مانند کیفر جرم در موردی خاص، وجدان عدالت خواه را قانع و راضی نمی‌کند و ناچار، به انصاف روی می‌آوریم تا تمام حقیقت موجود و ویژگی‌های آن را نیز به حساب در آوریم و از تعارض ارزش‌ها بکاهیم. در واقع انصاف، عصای عدالت است تا به حرکت مستقیم آن کمک کند و تکیه گاه آن به هنگام خطر سقوط باشد.

۳. آموزش

مهمترین رکن توسعه در ابعاد فردی، سازمانی و اجتماعی، آموزش است؛ که سازندگی و بهبود و تعالی انسان را به همراه دارد. آموزش تجربه‌ای است مبتنی بر یادگیری و به منظور ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در فرد، تا او را قادر به انجام کار و بهبود بخشی توانایی‌ها، تغییر مهارت‌ها، دانش، نگرش و رفتار اجتماعی کند. بنابراین آموزش به مفهوم تغییر دانش، نگرش و تعامل با همکاران است. آموزش مستلزم استفاده از برنامه‌های پیش‌بینی شده‌ای است که شایستگی‌های موجود در کارکنان را تقویت و موجب کسب دانش، مهارت و توانایی‌های

تازه در فرد می‌شود، به گونه‌ای که بهبود عملکرد شغلی را تسهیل می‌کند. (انصاری، ۱۳۵۹: ۱۰۲)

۴. آموزش

کلمه "آموزش" معادل واژه انگلیسی "Instruction" یا "Teaching" است. این دو واژه در انگلیسی به معنای آموزش، تعلیم و تدریس آمده است. تدریس و آموزش، در اصطلاح، از هم متفاوتند که به آن اشاره خواهیم کرد. همچنان آموزش به معنی آموختن، یاد دادن و تعلیم در برابر تربیت نیز می‌باشد. آموزش، در اصطلاح به چند معنا آمده است:

- تحریک و راهنمای یادگیری؛
- هنر کمک کردن به یادگیری در دیگری؛
- فراهم آوردن شرایط و اوضاع و احوالی که یادگیری را برای دانش آموزان و دانشجویان، در داخل و خارج از مکان درسی، آسان کند. (شعاری نژاد، ۱۳۷۷: ۵۴)

۵. تعریف آموزش

- **محمدباقر هوشیار:** آموزش و پرورش مجموعه منظمی از اعمال و رفتار است؛ به بیان دیگر آموزش و پرورش فعل و انفعالی است میان دو قطب روان (آموزگار و فراگیر) که مسبوق به اصلی و متوجه هدفی و مستلزم برنامه‌ای است.
- **جان دیویی:** آموزش و پرورش تکرار تجربه است، به منظور اینکه معنای تجربه گسترش پیدا کند و برای هدایت و کنترل تجربیات بعدی، فرد را بهتر قادر سازد.
- **ژان ژاک روسو:** آموزش و پرورش هنر یا فنی است که به صورت راهنمایی یا حمایت نیروهای طبیعی و استعدادهای فراگیر (متربی)، و با رعایت قوانین رشد طبیعی و با همکاری خود او برای زیستن تحقق می‌پذیرد.
- **دانشنامه بریتانیکا:** از آنجایی که کودکان بی‌سواد، نادان و غیرمطلع از فرهنگ جامعه‌شان به دنیا می‌آیند، برای یادگیری فرهنگشان، هنجارهای رفتاری افراد بالغ، یادگیری مهارت‌ها، یافتن نقششان در اجتماع و رسیدن به اهدافشان نیاز به آموزش دارند.

- **امیرحسین آریان‌پور:** آموزش و پرورش عبارت است از «فرایند هدایت و جهت‌دهی عمدی تجارب انسانی».
- **براون واتیکنس** در خصوص تعریف آموزش می‌گویند: آموزش فراهم آوردن فرصت‌هایی است برای اینکه دانش آموز یاد بگیرد. (شعبانی، ۱۳۷۱: ۷۷)
- **سیف** در خصوص آموزش می‌گوید: آموزش فعالیتی است که معلم برای آسان ساختن یادگیری طرح ریزی می‌کند. و بین او و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد. به زبان دیگر آموزش، هر گونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح ریزی شده با هدف آسان کردن یادگیری در یادگیرندگان است.
- **گانیه:** آموزش را مجموعه‌ای از رویدادهای "به عمد ترتیب داده شده" می‌داند که برای حمایت از فرایندهای درونی یادگیری، طراحی شده است. (شکوهی، ۱۳۶۸: ۸۳-۷۹)

۶. حق آموزش

حق تحصیل و آموزش بخشی از حقوق بشر است که به صورت بین‌المللی و در اسناد متعدد حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. احترام به حق تحصیل و آموزش برای همه شهروندان فارغ از اعتقادات مذهبی، سیاسی، جنسیتی و نژادی از نشانه‌های بارز پایبندی حکومت‌ها به یکی از جنبه‌های مهم حقوق بشر در سطح جهان است. این حق باید بدون هرگونه تبعیض و در راستای کرامت انسانی برای همه افراد فراهم گردد و دولت‌ها مکلف‌اند با بهره‌گیری از همه منابع در دسترس، زمینه را برای بهره‌مندی شهروندان از آموزش فراهم کنند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، آموزش را در زمره حقوق افراد و اهداف آن را رشد شخصیت انسانی، احترام به حقوق و آزادی‌های بشر، تقویت حسن تفاهم، گذشت و احترام به عقاید مخالف و دوستی بین ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی، برشمرده است. در اعلامیه مذکور، حق تقدم و اولویت والدین برای انتخاب نوع آموزشی که به فرزندشان ارائه خواهد شد به رسمیت شناخته شده است. قرارداد بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز امضاکنندگان خود را متعهد ساخت که آزادی والدین را برای انتخاب مدارس فرزندان خود در مدارس، به جز آن‌ها که توسط مسئولان دولتی

تاسیس و اداره می شود، محترم شمارند. طبق قرارداد بین المللی حقوق سیاسی و مدنی نیز حکومت ها متعهد شده اند که آزادی والدین را برای هماهنگ ساختن آموزش اخلاقی و مذهبی فرزندان با عقاید و باورهای شان تضمین کنند. (ساخار، ۱۳۷۰: ۶۶)

از لوازم فطری انسان، قابلیت کنجکاوی و پژوهش است. تحقیق و تفکر در هر پدیده و امری، انسان را در به کارگیری مواهب الهی، اعم از مواهب طبیعی و انسانی توانا می سازد و حرکت در مسیر تعالی و توسعه را تسهیل می کند و سعادت و نیکبختی انسان را که تحصیلی است و نه حصولی، میسر می سازد. بنابراین تحقیق و پژوهش، آثار غیر قابل انکاری را در حیات فردی و اجتماعی بشر دارد. (۴) تحصیل و فراگیری علم و دانش یکی از حقوق ذاتی انسان هاست. حقوق ذاتی به حقوقی گفته می شود که غیر قابل سلب و انتقال است. تنها شرطش این است که این حق را انسان ها بر اساس استعدادشان به دست می آورند، اما ناممکن و غیر عقلانی است که حق تحصیل برابر برای شهروندان نادیده گرفته شود. برای داشتن شهروندانی فعال، آگاهی، مقدمه شناخت و مطالبه حقوق است.

نهاد آموزش و پرورش هر کشور یکی از مهم ترین، موثرترین و گسترده ترین سازمان های مختلف اجتماعی است که مسئولیت انتخاب و انتقال عناصر فرهنگی را به نسل نوحاسته جامعه بر عهده دارد. این سازمان دستگامی است که الگوی کلی نهادها و سازمان های رسمی جامعه به شمار می آید و از دیر باز نقش سازنده و اساسی در بقا و تداوم فرهنگ و تمدن بشری ایفا کرده است. یکی از مهم ترین راه های ترویج اخلاق انسانی در جامعه بشری، جدی گرفتن آموزش اخلاق و ارزش ها در مدارس است. آموزش و پرورش ارزش ها را انتقال می دهد و ارزش های جامعه را منعکس می کند و در عین حال بر آن ها اثر می گذارد. ژان پیازه گفته است: «هدف آموزش و پرورش دو چیز است: نخست، آفرینش انسان های توانا به انجام دادن کارهای نو، نه صرفاً تکرار آنچه پیشینیان انجام داده اند؛ انسان هایی که خلاق، نو آفرین و جست و جو گرند و دوم، ایجاد ذهن هایی که توانایی نقادی دارند و هر چیزی که به آن ها داده می شود را نمی پذیرند و از قدرت استدلال برخوردارند. مصیبت آموزش و پرورش، شعار دادن ها، کلی گویی ها و مسیرهای از پیش تعیین شده است. (نقیب زاده، ۱۳۷۴: ۳۷-۳۴)

۷. حقوق زنان در آموزش

مروری بر آموزه های دینی نشان می دهد که حق آموزش نه تنها جنسیت پذیر نیست، بلکه هم در مورد زنان و هم مردان سفارشات فراوانی در باب اکتساب علم وجود دارد. . تعلم برخی از علوم در دین اسلام، واجب عینی است. برخی دیگر از علوم نیز اگرچه اکتساب آن بر زن واجب نیست، اما یادگیری آن به زنان سفارش شده است. دیدگاه قوانین نیز همان دیدگاه آموزه های دینی اسلام است، اما بر روی علومی که واجب عینی هستند و یا علوم سفارش شده برای زنان تأکید چندانی نشده است.

ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی، با توجه به دیباچه قانون اساسی که به ستم هایی که در نظام طاغوتی به زنان رفته اشاره میکند، ماده ۲۱، دولت را موظف به ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او در جهت استیفای حقوق از دسترفته آنان می داند. (نوری، ۱۳۴۷: ۵۳/۴)

منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، در راستای تحقق اصول ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است زمینه های تبیین و تحقق عملی حقوق و مسئولیت های زنان در عرصه های داخلی و بین المللی را بر اساس سند مرجع (منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۳/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی) فراهم نماید. (ایران منش، ۱۳۷۷: ۳۳-۳۱)

از مشکلات ساختاری برنامه های توسعه در ارتقای وضعیت زنان فقدان یک هدف گذاری مناسب جهت تعیین وضعیت آرمانی زنان است. این امر، موجب گشته است تا در طی چهار برنامه توسعه، یک سیاست گذاری پله ای، جهت ارتقاء وضعیت زنان در نظر گرفته نشود. این در حالی است که یک نظام مرحله ای و زنجیروار در برنامه های توسعه می تواند گام به گام، وضعیت زنان را در فرایند توسعه با تبدیل وضعیت به مرحله ای بالاتر تکامل بخشد. معمولاً پرداختن به مسائل زنان با تغییرات سیاسی و نظریات جناح های مختلف و احزاب گوناگون دچار تغییر و بحران می شود. مشکل اصلی، عدم یک اجماع نظر کلی درخصوص مسائل زنان از جمله در موضوعات توسعه است؛ به گونه ای که به نظر میرسد تغییرات دولت ها و نهادهای حکومتی، به دگرگونی در مبانی سیاست گذاری در این حوزه منجر میگردد. این وضعیت،

برنامه ریزی منسجم و گام به گام را در جهت حل مشکلات زیربنایی و همچنین شناسایی اولویت های امور زنان مشکل می سازد. (آملی، ۱۳۷۲: ۱۸۳-۱۷۱)

۸. جایگاه نقش زنان در توسعه پایدار جامعه

توسعه پایدار به عنوان یکی از بسترهای تعالی و رشد انسان، آنگاه می تواند موفقیت آمیز باشد که با یاری و مشارکت همه گروه های اجتماعی و برای همه آنان صورت پذیرد. در میان گروه های اجتماعی زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند و بدلیل ارتباط مستقیم آنان با گروه های سنی جوانان، نوجوانان و کودکان و نیز تاثیر بر نیم دیگر از جمعیت، یعنی مردان از مهمترین و موثرترین گروه های اجتماعی به شمار می آیند، و این واقعیتی است که در جوامع در حال توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. توجه به نقش زنان در فرآیند توسعه از اوایل دهه هفتاد میلادی ناشی از دو واقعیت مهم الف) عدم تحقق کلی نظریات توسعه در بهبود کشورهای جهان سوم و ب) موقعیت نامطلوب اجتماعی، اقتصادی زنان در این کشورها بود. نتیجه آن که با وجود طرح رهیافت های مختلف برابری زنان و مردان به نظریه رفاهی مساوات و فقرزدایی، نظریه کار آیی و نظریه توانمندسازی زنان توجه جدی شد. رسیدن به معیار توانمندسازی زنان در چارچوب تحلیل جنسیتی نیاز به یک حرکت همه جانبه دارد که شامل اصلاحات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ساختار حقوقی و تغییر تدریجی باورها و ارزش ها و همچنین برنامه ریزی از پایین به بالا دارد. در این نوشتار تلاش بر آن بوده تا با توجه به ابعاد مختلف نقش زنان در جامعه به بررسی جایگاه آنان در فرایند توسعه پایدار پرداخته شود. اگرچه به شکل بسیار ابتدایی و ناقص، ولی سعی شده تا به اهمیت نقش زنان در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و زیست محیطی توجه بیشتری شود و در نهایت در قالبیک نمودار نقش زنان را در مسیر توسعه پایدار نشان دهد. (بوشهری، ۱۳۶۹: ۳۶-۲۷)

امروزه، اساساً توسعه عبارت است از تلاش انسان در دگرگونی محیط برای رفع نیازهای خود در جنبه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی. اما آنچه در این جا مورد بحث بوده، توسعه سیاسی است. یکی از مهم ترین راه های دستیابی به این توسعه، مشارکت سیاسی زنان در سطوح کلان جامعه است. این امر، در گرو برقراری روابط و مناسبات اجتماعی مطلوب و عادلانه امکان پذیر است. هرچه جامعه از روابط

اجتماعی انسانی‌تر و عادلانه‌تر برخوردار باشد، مشارکت و همکاری افراد بیشتر و بهتر می‌گردد.

یکی از اهداف مهم توسعه، نفی نابرابری‌های طبقاتی، قومی، جنسی و انسانی است. امروزه از میان برداشتن نابرابری‌های موجود میان مردان و زنان و به رسمیت شناختن جایگاه زنان در مباحث توسعه، به بحثی اساسی در میان کشورها تبدیل شده است. زنان با وجود بر عهده داشتن نقش‌های متعدد خانوادگی، همسررداری، تربیت فرزندان و خانه‌داری، ضرورت است که در جامعه حضوری فعال و مؤثر داشته باشند. آن‌ها از این رهگذر می‌توانند نقش مهمی در فرآیند توسعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایفا کنند.

زن و مرد، هر دو، باید از فرصت‌های برابر و مساوی بهره‌مند شوند تا معلوم شود که زنان نیز، هم‌چو مردان، توانایی رشد و کسب شایستگی‌های فراوانی دارند. بدون حضور زنان در عرصه اجتماعی و سیاسی نمی‌توان از تعادل اجتماعی و سیاسی جامعه سخن به میان آورد. تاریخ نشان می‌دهد که حرف آخر را قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران می‌زنند. پس باید در انتخاب قانون‌گذاران دقتی جدی و انتخابی درست کنیم. زنان باید به لزوم حضور گسترده خود در عرصه سیاست پی ببرند و برای کسب حقوق حقه‌شان، خود را به تفکر سیاسی و آگاهی جنسیتی مسلح کنند. زنان باید در جایی که درباره آن‌ها تصمیم گرفته می‌شود، حضور داشته باشند و مردان در چنین مسایلی، یاران بی‌همتای زنان باشند، نه رقبای آن‌ها. (ایران منس، ۱۳۷۸: ۹۳-۹۰)

آن‌چه هم‌اکنون در جهان رخ می‌دهد، دامنه گسترده‌تری دارد، نه تنها انجمن‌ها و تشکل‌های مربوط به امور زنان، بلکه زنان خارج از گروه یا حزب برای کسب کرسی‌های قدرت هم‌پای دولت‌مردان در تلاش و مبارزه‌ای تنگاتنگ قرار می‌گیرند.

۹. نقش زنان در تربیت فرزندان و استحکام خانواده

ضرورت و اهمیت این موضوع وقتی به طور محسوس احساس می‌شود که به این واقعیت پی ببریم که تقریباً هر زن در همه عرصه‌های زندگی می‌تواند نقش آفرین باشد؛ و اگر زنی قادر باشد با موفقیت از عهده امور فوق برآید، خواهد توانست به عنوان منبع آرامش فکر و دل شوهرش عمل کند. قرآن مجید می‌فرماید:

«و از نشانه های خداوند این است که خداوند برای شما همسرانی از خودتان آفرید که بتوانید در کنار آنها آرامش یابید» (سوره روم، آیه ۲۱)

انسان فی نفسه یک جهان است. کمال وی در تقرب به قرب الهی است. سعادت ابدی وی نیز در رسیدن به قرب پروردگار مهربانش است. تا هنگامی که وی به این واقعیت ذاتی و فطری، جامه عمل نپوشانده است، نخواهد توانست در مسیر شادکامی گام نهد. این مطلب را می توان براحتی با رجوع به آیات قرآن مجید ثابت کرده و از آن دریافت که:

۱. انسان در تلاش است تا به قرب پروردگارش نایل شود؛

۲. یک فرآیند، دائماً در حال تحول وجود دارد که مقصد نهایی آن، خداوند - کمال مطلق - است. انسان یک مسیر تحول و دگرگونی بی پایان را پیش روی دارد که وی را قادر می سازد تا به کمال خویش دست یابد.

بنابراین، هر مادر صادق و پاک نیتی که تلاش می کند فرزندانی صالح تربیت کند، نخست باید به قطعیت این ایمان و اعتقاد مسلم نایل آید. با آگاهی و شناخت از این واقعیت، وی باید تلاش کند راهی را برای فرزندان خود برگزیند که آنها را قادر سازد به یک زندگی مسئولیت پذیر رهنمون شوند و از این طریق به سعادت و رستگاری دست یابند.

صرف شناخت هدف و راهی که به این هدف منتهی می شود، کافی نیست. تا مادامی که زن به عنوان یک «انسان» خود، مسیر سعادت را دنبال نکند هرگز نباید انتظار داشته باشد که بتواند به آسانی فرزند خود را در مسیر سعادت هدایت کند. هر عمل و عکس العمل مادر، بخشی از این مسیر را به نمایش می گذارد. زنی که قصد دارد فرزند مؤدب و با نزاکتی تربیت کند، خود باید بداند که وی چه بخواهد و چه نخواهد همواره برای فرزندش در حکم یک معلم است؛ زیرا بچه تمام اعمال و گفتار مادر را تقلید می کند. او از مادرش یاد می گیرد چگونه کلمات خوب یا بد را بر زبان آورد، چگونه به هنگام خشم دست و پایش را حرکت دهد، و چگونه صبور باشد. بنابراین تا مادامی که مادر، روح خود را مهیای تربیت یک فرزند صالح نکرده باشد و خصال نیکو کسب نکرده باشد، هرگز نباید انتظار یک معجزه از سوی اولادش داشته باشد. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۸/۱-۴۴)

فرآیند تربیت فرزند به آن آسانی که برخی از مادران فکر می کنند، نیست. این فرآیند شبیه نوعی جهاد با نفس است. در واقع، این فرآیندی است که مستلزم دقت فراوان و بردباری لایق قطع است. همچنین این فرآیند مستلزم مهارت و تخصص مادر است. اعمال

زیادی وجود دارد که از سوی مادر انجام می‌شود و مستقیماً بر فرزند تأثیر می‌گذارند؛ اما به دلیل غفلت و جهل به این مسأله توجهی نمی‌شود؛ اما در واقع یک تأثیر غیر مستقیم بر جای می‌گذارد و آینده نسل آتی را تباه می‌کند. اغلب اوقات کودک رابطه نزدیکی با مادرش دارد و تقریباً همواره در کنار اوست، بنابراین الگوی وی مادرش است. مادر باید با محبت، با گذشت، باتقوا و مؤثر و کارآمد باشد. هر چه یک زن کاملتر باشد و به کمالات بیشتری دست یافته باشد، تأثیر بیشتری بر فرزندش خواهد داشت و برای او الگوی بهتری خواهد بود. به عنوان یک مادر، دریافته‌ام که بچه‌ها حتی آنهایی که بزرگ شده‌اند، دائماً به دو چیز نیاز دارند: نخست «عشق و محبت»، و سپس «احساس تعلق و وابستگی». به عبارت دیگر، یک کودک به عشق و محبت و همچنین ایمنی نیاز دارد. در حقیقت، بچه‌ها الگوبرداری از مادرانشان را دوست دارند. اگر یک مادر به گوش دادن به موسیقی علاقه داشته باشد بچه‌اش نیز به آن علاقمند می‌شود! اگر یک مادر از خواندن کتب مذهبی لذت ببرد، فرزند وی نیز از این کار لذت می‌برد. این یک واقعیت شگفت‌انگیز است! به همین دلیل است که مادر باید یک شخصیت بی‌شائبه را ارائه دهد. (ورداسبی، ۱۳۷۲: ۲۸)

روانشناسی کودک در عصر حاضر یک رشته مجزا و مستقل است. مادران جوان نه تنها باید در مسائل مربوط به روانشناسی کودک به کتب دانشمندان مسلمان تکیه کنند، بلکه باید به جستجوی متون کاربردی و عینی در این زمینه نیز بپردازند. در حدیثی از یکی از معصومین (ع) نقل شده است که: «خرد، دارایی گمشده مؤمن است». در صورتی که مادر از صحت و حقیقت محتوای کتاب یک دانشمند غیر مسلمان اطمینان نداشته باشد، باید برای کسب اطمینان خاطر به یک کارشناس خبره مسلمان رجوع کند. کافی است بگوییم که یک مادر فرهیخته برای فرزندانش در حکم یک دارایی است. یک عالم فرزانه گفته است: «تعلیم و تربیت یک زن تعلیم و تربیت یک ملت است».

مادامی که مادر به اهمیت مسأله تربیت کودک پی نبرد، همواره با بی‌توجهی و سهل‌انگاری به این موضوع نگاه می‌کند و همواره امیدوار است که آینده‌نه‌چندان دور — که ممکن است هرگز نیاید — رفتار اولادش را تصحیح خواهد کرد. تعلل و به‌فردا افکندن این کار خطیر به معنای غفلت از لحظات ارزشمند زندگی کودک است. اگر مادری مطابق معیارهایی که همواره به سعادت بشر منتهی می‌شود کودک خود را تربیت کند، و امیال پست و حقیر خود را سرکوب کند، اینچنین مادری می‌بایست خود را قهرمان و بنیانگذار نسلی قلمداد کند که ستارگان و نخبگان جامعه را تشکیل خواهد داد، زنان و مردانی که با

تمام وجود مطیع امر پروردگار خواهند بود و آنها نیز کاروان اولادهايشان را به همان مسیری هدایت می کنند که والدینشان آنها را قبلاً به آن رهنمون ساخته بودند. برعکس، اگر مادری به امر تربیت فرزندش بی توجهی نشان دهد و در جهت تربیت صحیح وی نکوشد، چنین مادری مسئول تداوم فرآیند نابودی بشر و انهدام بنای یک نسل کامل از انسانهای دارای خصال نیکوی بشری خواهد بود. از اینرو، مسأله تربیت کودک بی نهایت حیاتی و نگران کننده و در خور تفکر و تأمل است. ما دارای یک الگوی پرافتخار هستیم و آن حضرت فاطمه زهرا(س) که تربیت شکوهمند فرزندانش به شخصیت‌های گرانبهای همچون امام حسن(ع) و امام حسین(ع) انجامید. بنابراین، پیشرفت یا انحطاط یک جامعه در دست زنان آن جامعه است. (مصطفی السباعی، ۱۳۵۷: ۱۰۳-۱۰۲)

۱۰. ادله و مبانی حقوقی عدالت آموزشی زنان

آنچه که امروز وجودش انکارناپذیر است، وجود تفاوت‌ها و تبعیض‌ها در این دنیاست. تفاوت‌هایی که بخش قابل توجهی از آن ناشی از نابسامانی‌ها و بی عدالتی‌های اجتماعی، اقتصادی و آموزشی است که خود ریشه در نشناختن عدل به مفهوم واقعی و الهی دارد. تنها با شناخت واقعی و سپس برطرف کردن این مشکلات است که معضل تفاوت‌ها و تبعیض‌ها ریشه کن خواهد شد. پرواضح است که در هر جامعه‌ای غنای قوانین حقوقی و تضمین اجرایی آن به سامان‌دهی امور و تحقق عدالت منجر می‌شود.

پیشرفت یک جامعه را می‌توان با سنجش عدالت اجتماعی به‌عنوان والاترین ارزش و آرمان برای رستگاری انسان دریافت. عدالت اجتماعی آرمان جمهوری اسلامی بوده و برآمده از اسلام و سنت آن است اما جامعه امروز به ارتقای عدالت اجتماعی و فرهنگ آن نیاز دارد که می‌توان از طریق آموزش عدالت‌محور به آن رسید. آموزش عدالت‌محور و تلاش در راستای آن، در اصول یک تا سه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است. با آموزش عدالت‌محور می‌توان به تغییر رفتار فردی رسید که به گسترش عدالت اجتماعی در جامعه منتهی خواهد شد. در عین حال می‌توان این مهم را از طریق تدوین منشور عدالت اجتماعی با تمرکز ویژه بر آموزش پیگیری نمود. مهم‌ترین گام برای تحقق عدالت اجتماعی بی‌شک تحقق عدالت آموزشی است، به این معنی که جامعه‌ای می‌تواند به عدالت اجتماعی دست پیدا کند که عدالت آموزشی در آن حاصل شده باشد. (محمدی گیلانی، ۱۳۳۸: ۴۴)

۱.۱. دلیل اصول قانون اساسی

۱.۱.۱ اصل بیستم

«همه افراد اعم از زن و مرد، به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

اصل بیستم قانون اساسی در خصوص دو موضوع میباید: اول تساوی همه افراد اعم از زن و مرد در مقابل قانون که در صدر اصل به آن اشاره شده و دوم برخورداری ایشان از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی که در ذیل اصل به آن اشاره شده است. پیرامون این اصل باید گفت که بین ماهیت حقوق از یک سو و اجرا و تضمین اجرای آنها برای افراد ملت از سوی دیگر تفکیک صورت گرفته است. در حقیقت در این اصل، در ابتدا از مرحله اجرا و تضمین حقوق بحث می شود که قانون برای زن و مرد فارغ از این که چه حقوقی دارند، این حقوق را تضمین میکند. اما در قسمت ذیل اصل به ماهیت حقوق و اصل وجود حق و حقوق برای زنان و مردان پرداخته میشود. و از آنجا که در شرع مقدس بعضاً تفاوت هایی در بهره مندی زن و مرد از حقوق وجود دارد، قید «با رعایت موازین اسلام ذکر شده و این قید به روشنی به ذیل اصل بر می گردد. یکی دیگر از جنبه های برابری، رعایت برابری در بهره مندی از خدمات عمومی است. یقیناً شهروندان در بهره مندی از خدمات عمومی سهم یکسانی ندارند؛ چرا که برخی از این خدمات برای اشخاص یا اصناف خاصی لحاظ شده اند. اما مسأله مهم این است که در روند ارائه خدمات به متقاضیان نباید هیچگونه تبعیضی اعمال شود. (ایران منش، ۱۳۷۸: ۵۳-۵۰)

بنابراین با توجه به متون اصل بیستم و شرح و تفسیر آن که توسط شورای نگهبان صورت گرفته است و با توجه به اشاره های صریح آنها به حمایت قانونی یکسان در همه حقوق انسانی اعم از حقوق اجتماعی و فرهنگی و تساوی زن و مرد با رعایت موازین اسلامی و نیز تضمین اجرایی بودن ضمانت اجرایی - می توان نتیجه گرفت که یکی از بارزترین موضوعات حقوق انسانی از نوع اجتماعی و فرهنگی اش همان عدالت آموزشی می باشد.

۲.۱۱

درسیاست های کلی برنامه ششم توسعه آمده:
تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان.

۳.۱۱

در منشور حقوق و مسؤولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، مصوب شورای عالی انقلاب در جلسه شماره ۵۴۶ مورخ ۸۳/۶/۳۱ و مصوب مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مورخ ۸۵/۱۱/۱۵ مقرر شده:

- حق برخورداری از تکریم و مسؤولیت رعایت آن برای دیگران
- حق برخورداری از عدالت اجتماعی در اجرای قانون بدون لحاظ جنسیت
- حق بهره مندی از بهداشت (محیط، کار و ...) و اطلاعات و آموزش های مورد نیاز
- حق آگاهی و مشارکت زنان در تصمیم گیری های مربوط به کنترل باروری و تنظیم خانواده
- حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی در زمینه تربیت بدنی و تفریحات سالم
- حق و مسؤولیت در کسب و افزایش آگاهی نسبت به شخصیت، حقوق و نقش خویش در عرصه های مختلف زندگی منطبق با آیین مقدس اسلام
- حق مشارکت در سیاستگذاری، قانونگذاری، اجرا و نظارت در امور فرهنگی به ویژه در خصوص مسائل زنان
- حق و مسؤولیت آگاهی و کسب مهارت های لازم در مدیریت خانه و خانواده، تربیت و پرورش فرزند و مقابله با آسیب های فرهنگی اجتماعی
- حق سواد آموزی عمومی، ارتقای آموزشی و برخورداری از امکانات آموزش و پرورش برای زنان
- حق تحصیل در آموزش عالی تا بالاترین سطح علمی

- حق کسب مهارت‌ها و آموزش‌های تخصصی بصورت کمی و کیفی تا بالاترین سطوح
- حق برخورداری زنان و دختران مناطق محروم از حمایت‌های خاص در امر آموزش
- حق و مسئولیت در برخورداری از جایگاه شایسته و متناسب با نقش، شأن و منزلت زنان در متون درسی و آموزشی
- حق مشارکت بانوان در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری و مدیریت‌های آموزشی، علمی و حضور فعال در مجامع فرهنگی و علمی داخلی و بین‌المللی (حاجیان مقدم، ۱۳۹۵: ۲۸-۲۴)

۴.۱۱

- در مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی (شورای فرهنگی اجتماعی زنان) آمده است:
- زن و مرد بر اساس حکمت الهی با لحاظ تفاوت‌های طبیعی آنها باید از حقوق انسانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عادلانه برخوردار شوند.
 - نظام زوجیت از ارکان عالم خلقت و از آیات و نشانه‌های الهی است و وحدت زن و مرد در ابعاد انسانی و اختلاف آنها در بعد بشری از شاهکارهای خلقت و موجب تداوم و تکامل حیات آنان می‌باشد.
 - آموزش زنان و مردان در خصوص اهمیت نقش آنان در تربیت فرزندان متناسب با مقتضیات زمان و مراحل مختلف رشد آنان؛
 - ارتقاء آگاهی و اصلاح نگرش جامعه و خانواده در خصوص حقوق و مسئولیت‌های زنان در خانواده؛
 - تقویت ارتباط خانواده با نهادهای آموزشی و پرورشی و ایجاد هماهنگی بیشتر در بین آنها به منظور ایفای نقش بهتر در تربیت فرزندان. (حاجیان مقدم، ۱۳۹۵: ۳۵)

۵.۱۱ سیاست های ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی (۸۴/۷/۲۶)

- زنان کشور ما نیمی از افراد جامعه را تشکیل می دهند و سازندگان و پرورش دهندگان نسل های آینده اند و منبع انسانی بالقوه مهمی در توسعه علمی، اجتماعی و فرهنگی کشور محسوب می شوند بنابراین باید در نظر گرفتن جایگاهشان در نظام اسلامی و شناخت موقعیت کنونی آنان به گونه ای برنامه ریزی شود تا امکان پرورش کامل استعدادهایشان مهیا شود و با کاهش فاصله قابلیت های علمی زنان و مردان، بسیاری از مشکلات فرهنگی اجتماعی و اقتصادی را حل نمود و از طرفی تمام اعضای خانواده و اجتماع در بهره وری از آن سهیم خواهند شد.
- ایجاد فرصت و امکانات عادلانه و رفع تبعیضات ناروا در تربیت نیروی متخصص زن به منظور بهره گیری از تخصص آنان در توسعه و تعالی کشور
- افزایش توانمندی و کسب مهارت های لازم برای زنان جهت ایفای مؤثرتر مسئولیتهای فرهنگی، خانوادگی و اجتماعی زنان
- اتخاذ تدابیر قانونی و آموزشی انعطاف پذیر و متناسب با مسئولیت های خانوادگی زنان (همسری و مادری)
- توسعه کمی و کیفی امکانات آموزش عالی برای دختران در نقاط محروم جهت رشد استعداد آنها و دسترسی به سطوح بالای آموزشی

۶.۱۱ سیاست ها و راهبردهای ارتقای آموزش سلامت زنان

سلامت زنان به عنوان جایگاه والای او در جوهره خلقت به ویژه در شکل گیری فرهنگ، تربیت، سعادت و حفظ و ارتقای سلامت خانواده و جامعه دارای نقش تعیین کننده است که این خود تحت تأثیر حقوق اساسی آنان در خانواده و اجتماع قرار می گیرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با حمایت از حقوق انسانی، اجتماعی و فرهنگی همه افراد اعم از زن و مرد، سلامت افراد را یک حق اساسی دانسته و تأمین نیازهای سلامت آنها را تکلیف اصلی دولت شمرده است. منشور حقوق زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز بر حق سلامت زنان در بهره مندی و دسترسی به خدمات، حمایت ها و مراقبت های بهداشتی درمانی مورد نیاز و با کیفیت مناسب تأکید می نماید. شورای عالی انقلاب فرهنگی براساس پیشنهاد شورای فرهنگی - اجتماعی زنان سیاست های لازم و راهبردهای اساسی برای

تضمین سلامت زنان و دستیابی آنان به مراقبت‌های همه‌جانبه و مورد نیاز در دوره‌های مختلف زندگی را با تکیه بر پژوهش‌های انجام شده در ابعاد مختلف و با تأکید بر عوامل فرهنگی تأثیرگذار به شرح ذیل تصویب می‌نماید: (حاجیان مقدم، ۱۳۹۵: ۴۲)

- حق سلامت: حق سلامت زنان به معنای برخورداری از سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی با توجه به ویژگی‌های آنان در مراحل مختلف زندگی بوده و از جمله حقوق طبیعی و همگانی محسوب می‌شود و مسئولیت تأمین آن بر عهده دولت‌ها می‌باشد.
- ارتقاء و توسعه سلامت زنان در ابعاد جسمی، روانی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی در دوره‌های مختلف زندگی و پیشگیری از بیماری‌ها و کاهش عوامل خطر سلامت زنان
- افزایش آگاهی جامعه و خانواده از دانش و نیازهای سلامت زنان و نقش آن در توسعه.
- افزایش دسترسی زنان به اطلاعات (به ویژه از طریق رسانه‌های ملی و جمعی) خدمات و مراقبت‌های سلامت واجد کیفیت و متناسب با نیازهای آنان در دوره‌های مختلف زندگی.
- توسعه آگاهی زنان و خانواده‌ها از نقش و مسئولیت‌های متعدد زنان در خانواده و اجتماع و همچنین نیازهای سلامت زنان در مراحل مختلف زندگی اعم از کودکی، بلوغ، ازدواج، باروری، شیردهی، یائسگی و سالمندی.
- آموزش لازم و فعال کردن زنان جهت ارتقای آگاهی و تربیت اعضای خانواده در زمینه شیوه‌های سالم زندگی توسط رسانه‌های ملی و جمعی و وزارت آموزش و پرورش.
- افزایش آگاهی‌های زوجین و آموزش‌های لازم در زمینه حقوق، تکالیف، روابط سالم زناشویی، بهداشت باروری، مهارت‌های زندگی، حسن خلق و معاشرت.
- توانمندسازی، آموزش، افزایش آگاهی و حمایت از زنان، خانواده و جامعه در خصوص مهارت‌های لازم زندگی با توجه به آموزه‌های دینی و شرایط فرهنگی، بومی و منطقه‌ای در پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی
- به کارگیری یکپارچه ظرفیت‌های آموزشی، تربیتی و رسانه‌ای کشور در جهت تحکیم بنیان خانواده و روابط خانوادگی. (حاجیان مقدم، ۱۳۹۵: ۵۱)

۷.۱۱ بررسی موضوع عدالت جنسیتی در قوانین و برنامه‌های توسعه کشور

بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی، دولت ایران موظف شده است تا وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت (بدون توجه به جنسیت) تا پایان دوره متوسطه تحصیلی فراهم کند. در برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، مواردی که به‌صراحت بر موضوع عدالت جنسیتی در آموزش تاکید داشته باشد و راهبردهای مشخص برای آن ارائه کند، وجود نداشته است. در قانون سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، بر گسترش عدالت اجتماعی و فراهم کردن امکان استفاده عادلانه اقشار مختلف جامعه از کالاها و خدمات فرهنگی، ورزشی و هنری و آموزشی تاکید شده و به‌منظور ایجاد تعادل و کاهش نابرابری‌ها، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری موظف شده در جهت زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده، ضمن انجام مطالعات لازم با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اقدامات لازم را به عمل آورده و با بهره‌گیری از اصول و مبانی اسلامی و با در نظر گرفتن تحولات آینده جامعه، نیازهای آموزشی و فرهنگی و ورزشی خاص زنان را شناسایی کرده و طرح‌های مناسب را برحسب مورد از طریق دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط تهیه و برای تصویب به مراجع مربوط پیشنهاد کند. همچنین طرح‌های لازم برای افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقای شغلی آنان در چارچوب تمهیدات پیش‌بینی شده در این قانون و متضمن اصلاحات ضروری در امور اداری و حقوقی را تهیه و به‌منظور تصویب به هیات وزیران ارائه کند؛ بنابراین به مواردی چون محدودیت مشارکت زنان در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری در نظام آموزشی کشور، عدم تناسب جنسیت معلمان با دانش‌آموزان، کمبود مربیان آموزش فنی و حرفه‌ای به‌ویژه زنان، بی‌توجهی به نقش ارزشیابی عدالت جنسیتی در نظام آموزشی ایران و نقش مطلوب زن در محتوای برخی از کتب درسی توسط این برنامه توجه شد. در این راستا، راهکارهایی چون اصلاح و متناسب‌سازی فضاهای آموزشی با توجه به شرایط جغرافیایی، لحاظ کردن جنسیت در دوره‌های تحصیلی، ایجاد شبانه‌روزی‌ها برای دوره راهنمایی با تاکید بر آموزش دختران، ایجاد مرکز تربیت مربی و موسسات آموزش فنی و حرفه‌ای ویژه زنان و تامین امکانات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از طریق استفاده از مراکز شبانه‌روزی خاص زنان و مردان مورد توجه قرار گرفت. در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، مواردی در خصوص توجه به آموزش دختران گنجانده شده است و به موضوع

دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی به‌ویژه برای دختران، تاکید شده است. در این راستا تضمین دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، گسترش دانش، مهارت و ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی به‌ویژه برای دختران و توسعه کمی و کیفی آموزش عمومی، فراهم کردن امکانات مناسب برای رفع محرومیت آموزشی از طریق گسترش مدارس شبانه‌روزی، آموزش از راه دور و رسانه‌ای و تامین تغذیه، آمدوشد و بهداشت دانش‌آموزان و سایر هزینه‌های مربوط به مدارس شبانه‌روزی و نیز ایجاد و گسترش اماکن و فضاهای آموزشی، پرورشی و ورزشی به تناسب جنسیت مد نظر بوده است. همچنین بر اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی نیز تاکید شد. در قانون برنامه پنجم توسعه نیز بر تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت و نیاز مناطق به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته و رفع محرومیت آموزشی تاکید شده و آمده است که وزارت آموزش و پرورش موظف است به منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت و نیاز مناطق به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته و رفع محرومیت آموزشی، نسبت به آموزش از راه دور و رسانه‌ای و سایر موارد همچون برنامه چهارم توسعه اقدام کند. (حاجیان مقدم، ۱۳۹۵: ۴۸-۴۵)

در تحقیقی که ارزشیابی تحقق عدالت جنسیتی در نظام آموزشی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف ملی و بین‌المللی توسط محمد آتشک و با روش تحقیق تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۰ انجام شده، بیان شده است نتایج تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که در مقطع ابتدایی عدالت جنسیتی در آموزش رخ داده است؛ در مقطع راهنمایی بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران مشاهده می‌شود و در وضعیت دور از تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش هستیم. در مقطع متوسطه بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد. برخلاف مقاطع راهنمایی و متوسطه در مقطع پیش‌دانشگاهی بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر پسران در وضعیت دور از تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد. در مقطع آموزش عالی بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش مشاهده می‌شود. در مجموع مقاطع تحصیلی، بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد. به بیان دیگر فقط در مقطع ابتدایی برابری جنسیتی حاصل

شده است و در مقاطع راهنمایی، متوسطه و آموزش عالی بی عدالتی به ضرر دختران و فقط در دوره پیش دانشگاهی بی عدالتی به ضرر پسران وجود دارد (در ایران در سال ۱۳۸۴ برای اولین بار بر اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی تاکید شد).

نتایج بررسی مطالعات وی حاکی از آن است که عوامل موثر بر بی عدالتی جنسیتی در آموزش در ایران را می توان در چهار دسته عوامل خانوادگی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی به شرح زیر طبقه بندی کرد:

الف- عوامل خانوادگی: شامل اندازه خانوار و تعداد فرزندان، درآمد پدر و مادر، تحصیلات پدر و مادر، فرهنگ و سنت های حاکم بر خانواده

ب- عوامل آموزشی: شامل قوانین آموزش از جمله اجباری یا غیراجباری بودن دوره ها

ج- عوامل اجتماعی: شامل طبقه اجتماعی و اقتصادی، محل زندگی (شهر یا روستا)،

وضعیت تاهل

د- عوامل اقتصادی: شامل سهم بودجه تخصیصی به آموزش از منظر بودجه

هزینه ای و تملک دارایی های سرمایه ای، ورود زود هنگام به بازار کار، اختلاف جنسیتی دستمزد (زعفرانچی، ۱۳۸۵)

بنابراین با توجه به اهمیت و تأکید قوانین حمایت از حقوق آموزشی زنان و مصرح سیاست های کلی برنامه ششم توسعه و مصوبات شورای فرهنگی اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی، به موضوعاتی از قبیل: استیفای حقوق شری و قانونی بانوان در همه عرصه ها (یکی از آن عرصه ها آموزش است)، حق برخورداری از عدالت اجتماعی در اجرای قانون بدون لحاظ جنسیت (که یکی از انواع عدالت، عدالت آموزشی است)، حق بهره مندی از آموزش های مورد نیاز (که در سایه تحقق عدالت آموزشی میسر است)، حق آگاهی زنان (در سایه آموزش و اطلاع رسانی)، حق سواد آموزی و ارتقای آموزشی و برخورداری از امکانات آموزش و پرورش برای زنان (که با عدالت آموزشی محقق می شود)، حق تحصیل در آموزش عالی، حق کسب آموزش های تخصصی و برخورداری از حقوق عادلانه، همه و همه حاکی از تأکید آن ها بر رعایت و تحقق حق آموزشی و عدالت آموزشی در مورد زنان است. (حاجیان مقدم، ۱۳۹۵: ۶۳-۶۲)

۱.۲. نتیجه‌گیری

با توجه به این که مبادی و سرچشمه‌ها و تکیه‌گاه‌های اساسی نظام حقوقی کشور ما ایران از فقه جامع ما امامیه سرچشمه و نشأت می‌گیرد لذا به راحتی به می‌توان به غنای ظرفیتی و پتانسیلی موجود در نظام حقوقی کشورمان در ارتباط با موضوع عدالت آموزشی زنان پی برد. ولی با مشاهده موانع و همچنین نقص و ضعف در تحقق عدالت آموزشی زنان در نظام آموزشی کشور، به نظر می‌رسد که سه ضعف کلیدی در سیستم فقهی و حقوقی ما وجود دارد که این ضعف‌ها نه در ذات و ظرفیت‌های درونی آنها بلکه در ضعف عملکردی متولیان فقهی و حقوقی می‌باشد و آن ضعف‌های سه‌گانه، یکی در عدم به روزرسانی مستمر و پویایی آن‌ها است و دیگری در عدم نظارت مستمر و جدی و سومی در عدم ضمانت اجرایی آنهاست که امید است با توجه و عمل به پیشنهاد‌های ارائه شده در ادامه این تحقیق بتوان برخی از ضعف‌های موجود را از بین برد. انشاءالله تعالی.

۱.۱۲ یافته نوین مقاله

۱.۱.۱۲ خلاء قانونی

با وجود چندین دستور فقهی و قوانین حقوقی در خصوص عدالت آموزشی (چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم) ولی باز به لحاظ عدم وجود حوزه نظارتی قوی و جدی از جانب متولیان فقهی و نیز حقوقی و وجود نقص در تأمین ضمانت اجرایی آن دستورات و قوانین، شاهد ضعف‌های اساسی در تحقق عدالت آموزشی در سیستم‌های آموزشی کشور هستیم و لذا پیشنهاد می‌شود سیستم فقهی و حقوقی کشور علاوه بر بازنگری و به روزرسانی دستورات و قوانین فقهی و حقوقی، در راستای تشکیل و یا تقویت و کارآمدی نظام نظارتی در حوزه‌های آموزشی کشور، اقدام عاجل به عمل آورد.

۲.۱.۱۲ پیشنهاد یک راهکار اجرایی برای رفع خلاء قانونی

نمایندگان از دستگاه فقهی و حقوقی کشور در نظام و سیستم آموزشی کشور حضور داشته و به صورت تخصصی و عینی زوایای مختلف عدالت آموزشی را از نظر قوانین حقوقی و دستورات فقهی موجود مورد بررسی دقیق قرار دهند تا به نکات ضعف و قوت دستورات

فقهی وقوانین حقوقی مرتبط پی برده وبا تجزیه وتحلیل علمی ومنطقی نسبت به بازنگری واصلاح وتکمیل موارد فقهی وحقوقی وبه روزرسانی آنها اقدام نمایند.

کتابنامه

قرآن کریم

انصاری، باقر، (۱۳۹۵)، حق آموزش، تهران: نشر موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش ایران منش، محمدحسین (۱۳۷۸). نقد وتفسیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کرمان: نشر خدمات فرهنگی

بوشهری، جعفر (۱۳۶۹). حقوق اساسی، تهران: نشر دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی ۲۷-۳۶
حاجیان مقدم، فاطمه (۱۳۹۵). اموزنان و خانواده در اسناد بالادستی، تهران: نشر دفتر امور زنان وزارت کشور
جرج ساخارو پولوس و مورین وودهاال، (۱۳۷۰). آموزش برای توسعه، ترجمه پریدخت وحیدی و حمید سهرابی، تهران: نشر سازمان برنامه و بودجه.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء. ص ۱۷۱-۱۸۳

سید قطب (۱۳۴۶). عدالت اجتماعی، ترجمه محمدعلی گرامی و سیدهادی خسروشاهی، قم: نشر کتابفروشی مصطفوی. ص ۵۱۵

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۷). فلسفه آموزش و پرورش، تهران: انتشارات امیرکبیر.

شعبانی، حسن (۱۳۷۱). مهارت های آموزشی و پرورشی، تهران: انتشارات سمت.

شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۸). مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

قطب الدین رستگار، محمد (۱۳۶۰). اسلام و عدالت اجتماعی، قم: انتشارات چاپخانه آزادی، ص ۱۶۰-۱۳۷

مارسل بوازار (۱۳۵۸). اسلام و حقوق بشر، ترجمه محسن مؤیدی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۶۰ - ۴۴

محمدی گیلانی، محمد (۱۳۶۸). اصول عدالت اجتماعی، تهران: انتشارات جهان آرا، ص ۴۴

مصطفی السباعی (۱۳۵۷). جامعه توحیدی اسلام و عدالت اجتماعی، ترجمه سید علی محمد حیدری، تهران: نشر حکمت. ص ۱۰۲، ۱۱۳

نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۷۴). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران: انتشارات طهوری.

نوری، یحیی (۱۳۴۷). حقوق زن در اسلام و جهان، ج ۴، تهران: انتشارات فراهانی.

ورداسبی، ابوذر (۱۳۷۲). اسلام پرچمدار مساوات اجتماعی، تهران: انتشارات نوفل لوشاتو.

هاشمی، محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی های اساسی، ج ۱، تهران: میزان.